

روایتی تاریخی و مستند از فراز و فرود معضل خشک‌سالی شهری که در آن زندگی می‌کنیم

۱۲ قرن کم‌آبی در مشهد



حفر چاه آب در مشهد برای مبارزه بابی‌آبی در حاشیه شهر مشهد. دهه ۵۰ قرن۱۴خورشیدی/ منبع عکس، مرکز اسناد و توسعه تاریخ شهری شهرداری مشهد



حفر چاه آب در مشهد برای مبارزه بابی‌آبی در حاشیه شهر مشهد. دهه ۵۰ قرن۱۴خورشیدی/ منبع عکس، مرکز اسناد و توسعه تاریخ شهری شهرداری مشهد

مرضیه ترابی |مشهد، طی تاریخ هزارودویست ساله خود همواره با مشکل بی‌آبی روبه‌رو بوده است. این بحران سه علت بنیادی داشته است؛ نخست کمبود بارش و ذخایر آب زیرزمینی، دوم افزایش روزافزون جمعیت و طبعاً اثرات سوء ناشی از افزایش مصرف آب و سوم هجوم پیاپی اقوام مهاجم گوناگون از مناطق فرارودان و شمال خاوری خراسان که اسباب تخریب شبکه‌های آبیاری و زیرساخت‌های آن را فراهم می‌کرد. باید توجه داشت که مشهد، برخلاف دیگرشهرها، بر پایه زیرساخت‌های مناسب شهری شکل نگرفته است. دلیل پیدایش این شهر، وجود مضجع شریف **ثامن الحجج**^(ع) در اراضی روستای سناباد نوقان بود؛ به همین دلیل، ظرفیت زیرساخت‌ها تکافوی افزایش جمعیت را نمی‌داد و این مسئله، بی‌آبی را به یک دردسر بغرنج در تاریخ مشهد تبدیل کرد و تأمین آب لازم شهر به دغدغه اصلی فرمانروایانی مانند سلطان حسین بایقرای تیموری، شاه‌عباس یکم صفوی و نادرشاه افشار تبدیل شد و حتی در دوره معاصر نیز به عنوان یک پروژه ملی، از قبیل انتقال آب سد دوستی به مشهد، موردتوجه ویژه قرار گرفت.
باین حال، این درمان‌ها عموماً مقطعی بوده و هنگام کاهش بارش‌های مفید سالانه، اثر خود را به سرعت از دست داده و مشهد را با معضلات عدیده‌ای دست‌به‌گریبان کرده است. در گزارش پیش‌رو، به بهانه شرایط کنونی منابع آب و خطرات ناشی از کم‌آبی، نگاهی اجمالی خواهیم داشت به پیشینه این پدیده در مشهد و حواشی ناشی از آن.

- کم‌آبی با عمق ۱۲۰۰ساله

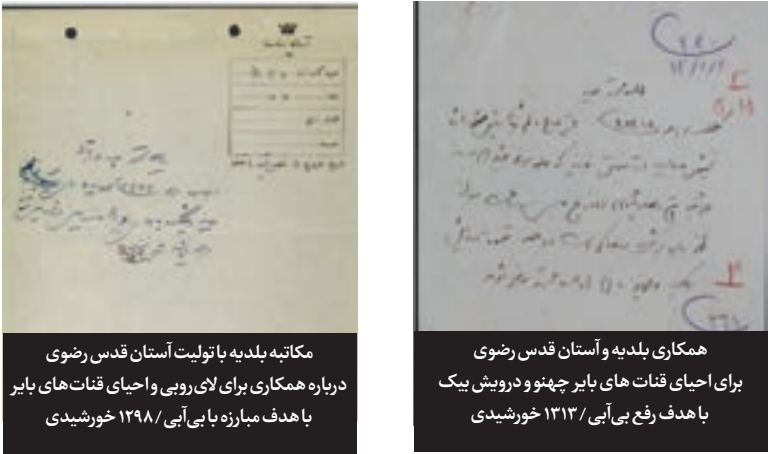
گفتیم که مشهد از همان آغاز پیدایش با معضل کم‌آبی دست‌به‌گریبان بود؛ به همین دلیل، مورخان گزارش‌هایی را – مانند آنچه «ابودلف نینوعی» در سفرنامه خود آورده است – عموماً ناشی از توهم و خیال می‌دانند. ابودلف در قرن چهارم هجری قمری ادعا کرده‌که در سناباد نوقان باغ‌های پهناوری به طول چندصد کیلومتر وجود داشته است.

صرف‌نظر از گزارش‌های مربوط به دوران پیش از ورود اسلام‌که عموماً پرا داخته‌ذهن حماسه‌سرایان سترگی مانند حکیم ابوالقاسم فردوسی است، احتمالاً قدیمی‌ترین گزارش مربوط به کم‌آبی در مشهد را باید در دوره «طاهران (قرن سوم هجری قمری)» اندکی بعد از شهادت امام‌رضا^(ع) و ذیل تاریخ خراسان جست و جو کنیم. «معدی» در «زینت‌المجالس» که آن را در سال ۱۰۰۴ قمری به رشته تحریر درآورده است، می‌نویسد: «در آن اوان قحطی عظیم در خراسان روی نموده بود و باران از آسمان ایستاده، مردم از راحت مأیوس گشته، چون عبدا… [بن طاهر] به نیشابور رسید، ابواب رحمت الهی مفتوح شد و باران بسیار بارید.» بیبقی در کتاب تاریخ خود، ذیل خدمات «ابوالحسن عراقی دبیر» به جاری کردن دوباره «کاریر» (احتیلا قنات سناباد) در مشهد اشاره می‌کند که نشان دهنده گسترش خشک‌سالی شهر در آن روزگار است. این بی‌آبی هم احتمالاً ناشی از کمبود بارش گسترده در سال ۴۰ قمری بود.

در دوره‌های بعد نیز کم‌وبیش چنین وضعیتی وجود داشت. تأآنجا که نویسندگان کتاب «تاریخ خشک‌سالی در خراسان رضوی،» براساس یک پژوهش، برای دوره‌های کم‌آبی در این خطه، بازه‌هایی تا ۱۰ پادازه ساله در نظر گرفته‌اند. گزارش‌های مربوط به کم‌آبی‌های سال ۵۵۰ قمری به بعد، احتمالاً نخستین گزارش‌های از این دست هستند که در تاریخ مشهد به چشم می‌خورند. در این زمان که مصادف با مرگ سلطان سنجر سلجوقی بود، خراسان به عرصه ترک‌تازی اقوام ترکمان و غُز تبدیل شد و همین مسئله به زیرساخت‌های آبی شهر آسیب بنیادی زد. می‌دانیم که ایرانیان، از قرن‌ها پیش، راه‌گذر از این بحران‌ها را با ایجاد سازه‌هایی مانند کاریر یا قنات یافته بودند.

طبعاً حمله‌های مکرر، باعث ویرانی این سازه‌ها می‌شد یا فرصت رسیدگی و لای‌روبی آن‌ها را از مردم می‌گرفت و محدودیت‌های شدیدی به وجود می‌آورد. با آغاز هجوم مغولان به خراسان وضعیت دشوارتر شد. با وجود آنکه به شهادت شواهد تاریخی، حرم‌رضوی از تعرض آن‌ها مصون ماند، مشهد غارت شد و آبادی‌های اطراف نیز عموماً خالی از سکنه شدند.

این اتفاق تبعات سنگینی برای وضعیت بحران‌آب در مشهد داشت؛ نخست آنکه همان داشته‌های اندک زیرساخت‌های آبی را نیز برد و دوم اینکه مشهد را به دلیل امنیت نیم‌بندی که پیدا کرده بود، دچار جمعیت روزافزون و این خود بحران بی‌آبی را تشدید کرد. در همان سال‌ها، نزولات آسمانی بسیار کاهش پیدا کرد و شرایطی بسیار سخت و تحمل‌ناپذیر را در مشهد و اطراف آن به وجود آورد. ضربه ناشی از حمله مغولان به جمعیت، پراکنش آن



و همچنین زیرساخت‌های زیستی و اقتصادی چنان بود که برخی مورخان معتقدند با گذشت بیش از هفت قرن، هنوز از زیر بار تبعات آن کمر راست نکرده‌ایم. افزایش جمعیت شهری (که عموماً ناشی از مهاجرت بود) در دوره‌های تاریخی بعد به یکی از اساسی‌ترین زمینه‌های بحران کم‌آبی در مشهد تبدیل شد. اشاره کردیم که زیرساخت‌های آبی مشهد، اصولاً تکافوی جمعیت زیاد و به‌ویژه ساکنان دائمی روزافزون را نمی‌کرد و آشکارا بحران‌ساز بود.

- تلاش‌های ناکام برای زدودن بحران

هرچند که هجوم به مشهد در دوره ایلخانی و تیموری عملاً کاهش فراوان یافت و همین امنیت نسبی، اسباب توسعه در عهد شاهرخ با فراهم کرد، چنان‌که اشاره کردم، باز هم مسئله تأمین آب به آتش زیر خاکستر می‌ماند. در دوره شاهرخ تیموری، تلاش‌هایی برای توسعه شبکه آب‌رسانی از طریق رساندن آب قنات‌های آباد و فعال در برخی نواحی اطراف به مشهد، آغاز شد. در اواخر این دوره، امیرعلیشیر نوابی آب چشمه «گلَسب» (چشمه گیلاسی) را به مشهد رساند و این خود نشان می‌دهد که ادعای عدم تکافوی منابع آبی مشهد برای جمعیت آن، ادعایی درست و مقرون به صحت است، باین حال، در دوره صفویه، هجوم‌های پیاپی ازبکان بار دیگر بحران بی‌آبی را به ورطه وخامت کشاند.

این مسئله، با وجود تلاش‌هایی نظیر تقویت «نهرخیابان» و توسعه قنات‌های حاشیه شهر، در کل دوره صفویه و پس از آن، در هیا‌هوی فترت میان صفویه و افشاریه وجود داشت. نادرشاه کوشید تا این بحران را از طریق تزریق آب بیشتر به مشهد حل کند. آب قنات «گلستان» که نزدیکی طریقه امروز، به مشهد رسانده شده است تا ضمن تأمین نیاز قصرشاهی در چهارباغ، در حرم رضوی هم جاری باشد و نیازهای زائران و مجاوران را برطرف کند ولی این تلاش‌ها هم ره به جایی نبرد، ظرفیت قنات‌های اطراف شهر، هنگامی که بارندگی به حداقل می‌رسید، عملاً قادر به تأمین نیازها نبود. این مسئله به نزاع‌های میان روستاییان اطراف مشهد هم دامن می‌زد. در مرکز اسناد آستان قدس رضوی، ص‌ها سند درباره جدال میان ساکنان دهات و مزارع اطراف مشهد با یکدیگر وجود دارد. د‌عوای آب تقریباً از این دوره به بعد، شیوعی سرسام‌آور یافت. نزاع اهالی «گوسلوگ» با مزارع اطراف، درگیری میان ساکنان «سمرقند» با اهالی فتح‌آباد و… در همین



حفر چاه آب در مشهد برای مبارزه بابی‌آبی در حاشیه شهر مشهد. دهه ۵۰ قرن۱۴خورشیدی/ منبع عکس، مرکز اسناد و توسعه تاریخ شهری شهرداری مشهد

ر رسیدن بحران به دوران معاصر
تداوم خشک‌سالی در دوره پهلوی اول نیز به چشم آمد؛ در سال ۱۳۰۶ خورشیدی، بحران بی‌آبی و کم‌آبی دردسرافزین شد. طبق یک گزارش، میزان محصول تولیدی کشاورزان در مشهد و اطراف آن، به دلیل کاهش حجم بارش به یک‌دهم سال‌های پربارش رسید. شرایط بغرنج ناشی از بی‌آبی و کم‌آبی در سال‌های ۱۳۱۴، ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ خورشیدی نیز تکرار شد و در سال‌های بعد هم ادامه پیدا کرد.

در سال ۱۳۲۰ خورشیدی و اندکی پیش از شروع جنگ جهانی دوم، مشهد درگیر بحران آبی بی‌سابقه‌ای شد که با قحطی ناشی از جنگ پیوند خورد و تا سال ۱۳۲۹ خورشیدی، جان بسیاری از مردم تهدیدست را گرفت. تلاش‌ها برای جبران کم‌آبی جانکا‌ه مشهد، از ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ خورشیدی وارد مرحله جدیدی شد، نیروهای شوروی مستقر در مشهد، نخستین چاه عمیق را در حوالی «میدان دقیتی» جایی که امروزه به فلکه آب مشهور است، حفر کردند. این اقدام به صورت موقت همه را امیدوار کرد و حتی باعث بی‌توجهی به زیرساخت‌های سنتی تأمین آب شهر مشهد شد، آب قنات‌ها کاهش پیدا کرد و به‌تدریج از بین رفت. کار پوشاندن نهر خیابان نیز از دهه ۱۳۲۰ خورشیدی آغاز شد و تا دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به پایان رسید. شاید همین مُسکن مقطعی باعث شد که وضعیت دشوار آبی مشهد چندان به چشم نیاید.

در سال ۱۳۳۱ خورشیدی، مشهد با زندگی نداشت و بین سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۴۲ خورشیدی، شهر به مدت شش سال درگیر کم‌آبی شدی شد. گزارش‌های مربوط به این وضعیت در روزنامه خراسان دهه ۱۳۴۰ خورشیدی به چشم می‌خورد؛ باین‌حال، اصل بحران از سال ۱۳۵۰ خورشیدی و زمانی شروع شد که به تعبیر روزنامه خراسان، «بزرگ‌ترین خشک‌سالی» تاریخ مشهد آغاز شد. کمبود بارش که از سه سال قبل در افغانستان بحران‌زا شده بود، حالا خراسان و بالطبع شهر مشهد را تحت تأثیر قرار می‌داد.

این وضعیت تا پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشت و پس از آن هم ادامه پیدا کرد. در سال ۱۳۵۹ خورشیدی، مشهد باز هم خشت آسمان را دید؛ بارندگی چندان وجود نداشت و برای تأمین آب لازم شهر مانند گذشته، ذخایر آب زیرزمینی را به کار گرفتند؛ اما وضعیت در روستاهای اطراف مشهد، چنگی به دل نمی‌زد و آب آشامیدنی را با تاخیر به دست مردم می‌رساندند. شبکه آب‌رسانی، با وجود گسترش بی‌سابقه، قادر به تأمین نیازها نبود، چون اصولاً بی وجود نداشت که در این شبکه توزیع شود. با وجود برخی ت‌رسالی‌ها در میانه دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ خورشیدی، عوامل دیگری که باعث تشدید بحران بی‌آبی می‌شد، هم چنان برقرار بود، جمعیت به‌طور فزاینده افزایش می‌یافت و شهر با سرعت بالا توسعه پیدا می‌کرد. با فرا رسیدن سال ۱۴۰۰ خورشیدی، شرایط بارندگی دشوارتر از قبل شد و بحران را تشدید کرد. آنچه امروز در مشهد شاهد آن هستیم، پدیده بی‌سابقه‌ای نیست، اما بدون مدیریت صحیح و اندیشیدن تمهیدات لازم برای مقابله با کم‌آبی، می‌تواند بحرانی بی‌سابقه را به وجود آورد؛ بحرانی که در تاریخ هزارودویست‌ساله مشهد دیده نشده است.

منابع:

- تاریخ شهر مشهد، مهدی سیدی، شهرداری مشهد، مشهد، ۱۳۷۸
- تاریخ بیبقی، ابوالفضل محمد بن حسین بیبقی، شرح و توضیح محمدجعفر یاقفی و مهدی سیدی، سخن، تهران، ۱۳۹۰
- سفرنامه ابودلف در ایران، ابودلف نینوعی، ترجمه سید ابوالفضل طباطبائی، زوار، تهران، ۱۳۴۵

مشهد قدیم

بازنشر قانونی ۷۱ساله درباره پوشیدن لباس متحدالشکل برای تاکسی‌رانی مشهد

وقتی نان درشکه‌چی‌ها آجر شد



فرخدا سال ۱۳۱۸ خورشیدی برای نخستین بار ۱۰ دستگاه تاکسی به‌وسیله شرکت «درخشان» به مشهد رسید تا در کنار درشکه‌ها به مرور به یکی از وسایل حمل‌ونقل عمومی تبدیل شوند و هرروز هم بر تعداد آنان افزوده شد. این روند ادامه داشت تا اینکه آذرماه سال ۱۳۳۱ خوشیدی در دوره شهردار بودن «عبدالوهاب اقبال» تاکسی‌رانی شهر مشهد به‌صورت رسمی ایجاد و با آرم «تاکسی مشهد» شروع به کار کرد. روزنامه «اخبار خراسان» در اسفند سال ۱۳۳۳، یعنی دو سال پس از آغاز رسمی فعالیت تاکسی‌رانی، خبری چاپ می‌کند مبنی بر اینکه شهرداری مقرر کرده است از آن تاریخ به بعد (اسفند ۱۳۳۳ خورشیدی) همه رانندگان باید لباس متحدالشکلی را که نشان تاکسی‌رانی مشهد دارد بپرتن کنند. اعتراض‌های مردمی نسبت به ناشناخته بودن رانندگان تاکسی نسبت به سایر رانندگان، یکی از دلایل این اقدام بود.
جریده اخبار خراسان ذیل این گزارش، گفت‌وگویی هم با یکی از رانندگان تاکسی مشهد آورده است. در شرح این خبر چنین نوشته شده است: «در هفته گذشته بر اثر تذکراتی که نویسنده دانشمند آقای دکتر میردامادی درباره رانندگان تاکسی در روزنامه آفتاب شرق داده بودند، اداره راهنمایی و رانندگی به‌فوریت نسبت به رعایت آن اقدام کرد و پس از اولین قدمی که به‌منظور درنظرگرفتن صلاحیت اخلاقی رانندگان تاکسی از طریق صدور کارت مخصوص برداشت، آن‌ها را موظف کرد لباس متحدالشکلی طبق مشخصاتی که در نظر گرفته شده بود، برای خودشان تهیه کنند. اولین راننده تاکسی که لباس مخصوص را تهیه نموده است آقای آژدر غریب‌نواز می‌باشد. خبرنگار ما از نام‌برده عکسی گرفته و سؤالاتی کرده است که ذیلاً چاپ و درج می‌گردد.»

در ادامه خبر گفت‌وگوی خبرنگار و راننده تاکسی آمده که چنین است:

- آقای آژدر شما چند سال است که مشغول رانندگی هستید؟
- پنج سال روی کامیون و اتوبوس کار کرده‌ام و اخیراً که در مشهد اجازه تاکسی‌رانی داده شد، تصمیم گرفتم این شغل را انتخاب نمایم.

- برای کسب اجازه تاکسی‌رانی چه کردید؟
- به اداره راهنمایی‌ورانندگی مراجعه نمودم و پس از تحقیقاتی که از من شد و تعهدی که گرفتند، کارت رانندگی این جانب صادر شد.

- چه تحقیقاتی از شما شد و چه تعهدی از شما گرفتند؟
- درباره سوابق خانوادگی و طرز کارم در امور رانندگی من دقیقاً تحقیق کردند و بعد از من تعهد گرفتند که اولاً مقررات تاکسی‌رانی را در شهر کاملاً رعایت کنم، ثانیاً انتظامات را حفظ نمایم. ثالثاً نسبت به مسافرین با ادب و متانت رفتار نمایم.

- آیا شما شخصاً خودتان به رعایت نکات فوق علاقه‌مند هستید؟
- چطور می‌شود به اموری که با زندگی خودم ارتباط دارد، علاقه مند نباشم. رعایت نکات فوق مردم را نسبت به طبقه رانندگان مطمئن می‌سازد و بر درآمد ما می‌افزاید. برای همین هم بلافاصله پس از دستور اداره راهنمایی لباس متحدالشکل را درست کردم.

خبرنگار در خط پایانی گزارش خود تأکید می‌کند که با قانونی شدن لباس متحدالشکل، این نکته برای اولین بار در ایران عملی می‌شود و در آینده نزدیک نیز همه رانندگان تاکسی‌رانی لباسی خاکستری رنگ و کلاه کلاسکت به همان رنگ خواهند داشت.

- پیشنهاد آموزش رانندگی برای درشکه‌چی‌های بیکار شده



ورود تاکسی به مشهد اما به این آسانی هم نبوده است، در سطرهای نخست گفتیم که پیش از ورود تاکسی‌ها، حمل‌ونقل عمومی به وسیله درشکه‌ها انجام می‌شده است.

با ورود تاکسی‌ها، درشکه‌چی‌ها که شغلشان را در معرض خطر می‌بینند، به این موضوع اعتراض می‌کنند. این درگیری برای یکی دوده‌ده‌امده می‌یابد. برای نمونه، در اوایل مرداد ۱۳۲۸ خورشیدی، عده‌ای (حدود دویست نفر درشکه‌چی) در منزل آیت… خراسانی جمع می‌شوند و از او می‌خواهند که درباره تقاضای آن‌ها مبنی بر جلوگیری از به‌کار افتادن تاکسی در مشهد با مقامات بالادستی مذاکره کند؛ زیرا زندگی و معیشت قریب به هزار تانله صاحبان درشکه‌ها و ۲۲۲ درشکه‌ران درشکه‌های عمومی شهر، در مخاطره قرار گرفته بود.

همین می‌شود که خورش‌روز پس از چاپ گزارش لباس متحدالشکل تاکسی‌رانی یک پیشنهاد دیگر هم در روزنامه اخبار خراسان منتشر می‌شود؛ خبری که موضوع آن ایجاد یک شرکت تاکسی‌رانی خصوصی و خرید تاکسی توسط اغنیاست تا درشکه‌چی‌ها بتوانند پس از آموزش رانندگی در آن استخدام شوند و بیکار نمانند و این وسط با رواج تاکسی‌ها، نان درشکه‌چی‌ها آجر نشود. در این خبر چنین آمده است: «یکی از خوانندگان خبرخواه و خوش فکر ما در مورد مسئله تاکسی‌رانی از نظر وضع درشکه‌چی‌ها پیشنهادی برای ما فرستاده که آن را درج و از مقامات مؤثر درخواست کنیم به آن توجه فرمایند. ذیلاً خلاصه این پیشنهاد مفید درج و مشروح آن را به شماره آینده محول می‌کنیم. دارندگان درشکه در مشهد سه دسته هستند، اول آن‌هایی که سرمایه‌دار بوده و درشکه‌های متعددی دارند و نیازمند کمک نیستند و می‌توانند درشکه‌های خود را در سایر شهرستان‌های خراسان به کار اندازند. دوم کسانی که درشکه‌های تمیز، اسب‌نیرومند و سالم دارند و می‌توانند به کار خودشان ادامه بدهند. تنها دسته سوم که افراد فقیری هستند و در شکه‌های آن‌ها هم قابل استفاده نیست، استحقاق کمک دارند، بنابراین بسیار بجا خواهد بود که برای رفع احتیاج این دسته و جلوگیری از بلاتکلیفی آن‌ها، مراجع مؤثر اجازه می‌دادند که تا حدود دویست تاکسی در مشهد مشغول کار شود و از هر یک بین مبلغ سه تا پنج هزار ریال دریافت و با مبلغی که در حدود هشتصد تا یک میلیون ریال جمع‌آوری خواهد شد، به کمک یکی از متمولین خیراندیش شرکی به نام شرکت سهامی درشکه‌چی‌ها تأسیس و سی دستگاه تاکسی خریداری و به کار گمارده شود. درشکه‌چی‌های مزبور هم در این شرکت سهیم باشند و هم به کار مشغول گردند و در ضمن به آن‌هایی که استعداد و توانایی دارند رانندگی آموخته شود و بقیه با اشتغال به سایر کارهای شرکت و دریافت حقوق و سهم درآمد خودشان، امرار معاش کنند.»